

نگاهی به کتاب «حوای سرگردان» نوشته محمد قائم خانی جنگل بیرون مه، انسان درون دود!



امیر محمد واعظی

تاریخ را که بخوانید، خواهید دید که جنگل‌های شمالی رشته کوه البرز همواره مأمی بوده است برای کسانی که نمی‌خواستند زیر یوغ دولت‌ها بروند و برای در امان ماندن از تیغ سربازان حکومت به پشت کوه‌های البرز پناه می‌بردند. از دیو خونده شدن مردمان آن دیار در شاهنامه تا تصرف نشدن این ناحیه به دست مسلمین و بعد فرار امام‌زادگان از دست حکام اموی و عباسی به آن‌جا تا قیام میرزا کوچک‌خان و مقابله با حکومت مرگزی در پناه کوه‌ها و جنگل‌های گیلان و مازندران. اما انگار با شکست میرزا کوچک‌خان از رضاخان و تسلیم «سخت‌سر» برای تبدیل شدن به «رامسر»، دیگر سرزمین جنگلی‌های سرسخت تبدیل شد به «شمال» شمالی که به نوشته آقای «محمد قائم خانی» نویسنده مجموعه داستان کوتاه «حوای سرگردان»، جایی است برای خالی شدن «فرگیر کرده در کمر تهرانی‌ها!» کتاب «حوای سرگردان» روایتی است از برخورد دو دنیا با یکدیگر. یکی دنیای مردمان خسته شمالی ایران و یکی دنیای جدیدی که راهش تاریخ معاصرش، حتی در البرز از سمت تهران باز می‌کند و تا تمام سواحل خزر را به ویلا تبدیل نکند دست‌بردار نیست.

نویسنده در داستان‌های مختلف کتاب، به تناسب زمینه داستان، عناصر مختلفی را از دو دنیای متفاوت با یکدیگر مزوج ساخته است و این شخصیت‌های داستان یعنی همان آدم‌هایی که در سد سال اخیر می‌زیستند، هستند که خود را در تناقضات شدیدی رها شده می‌یابند.

مخصوصاً نویسنده تجربه زیسته ارزشمندی از زندگی مردم در گیلان و مازندران داشته است، چرا که تقریباً تمام داستان‌ها در این مناطق یا حواشی آنها روایت می‌شوند و نویسنده توانسته با عنایت کامل به زندگی روستایی و زیبایی‌ها و سختی‌های این نوع از زیستن در دوران‌های مختلف، داستان‌های خود را روایت کند. داستان‌ها، به سه ترتیب، ولی به نحوی کاملاً مشخص روایت‌های در خود دارند از زمان پس از شکست جنگلی‌ها از حکومت مرکزی تا دوره‌ای که تسلط خان‌ها داشت آرام‌آرام از زندگی روستاییان رخت برمی‌پست تا زمانی که توسعه و دنیای مدرن با جنگل گدازد. بعد هم نوبت به جنگ تحمیلی و برخورد مردمان خسته چنانک با آن و در آخر تا شمالی که پس از انقلاب و جنگ همه ما با اسم خاص «شمال» می‌شناسیمش.

هر کدام از داستان‌های کتاب به طرز جذابی روایتگر زیست‌جهان و برخورد نزدیک مردمان هر کدام از این دوره‌ها با



معصومه طاهری

فاطمه محمودی متولد شیراز دارای لیسانس زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه شهید چمران اهواز است که به دلیل علاقه و اهمیت، راهنمای گردشگران به زبان فرانسوی شد تا بتواند به عنوان یک دختر محجبه گردشگران خارجی را بهتر با فرهنگ اسلامی ایرانی آشنا کند. «جوان» با وی گفت‌وگو کرده است.

چه شد که وارد حرفه توریذری آن هم برای گردشگران خارجی شدید؟

همیشه دوست داشتم با فرهنگ کشورهای دیگر آشنا شوم. همین‌طور با مردمانی از ملیت‌های مختلف ارتباط داشته باشم، این دلیلی بود که یادگیری زبان انگلیسی را از پنجم ابتدایی شروع کردم و قبل از کنکور سراسری یادگیری آن را به پایان رساندم. زبان فرانسوی را هم با توجه به توصیه دیگران به‌عنوان رشته دانشگاهی انتخاب کردم. یک بار به‌طور اتفاقی با چند توریست برخورد کردم که باعث شد به راهنمای تور شدن فکر کنم. اولین توریستی که با من دیدم به‌طور اتفاقی آمد و تمایل داشت با من عکس بگیرد. توریست دیگر، معلم تاریخ بود. برای تعطیلات زمستانه به ایران سفر کرده بود، تا پرسپولیس همراهی‌اش کردم. از چادری که پوشیده بودم خوشش آمد و بعد از من خواست کمکش کنم تا مثل همان را برای شاگردش به‌عنوان هدیه بگیرد. توریست دیگری را در مسجد دیدم، اتفاقاً او راهنمای گردشگران لیتوانی بود. با هم آشنا شدیم حتی بعد از اولین دیدار با هم در ارتباط بودیم. بار اول که تورا اجرا کردم او را در نقش رستم دیدم و این بار او بود که به سمت من آمد و بسیار خوشحال شده بود که موفق شدم راهنمای تور شوم.

معمولاً توریذرها به خاطر یادگیری زبان و انگیزه‌هایی که دارند جذب فرهنگ توریست‌ها می‌شوند ولی با چادری که این کار می‌برد از بی‌انگیزگی و سخت‌نستی؟

تا الان که سخت نبوده، باید متعهدانه همراه گروه باشم. با توجه به سؤال شما باید بگویم متأسفانه

گفت‌وگوی «جوان» با دختر توریذری که چادری است توریست اروپایی می‌خواست چادر برای شاگردش هدیه ببرد



معصومه طاهری

فاطمه محمودی متولد شیراز دارای لیسانس زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه شهید چمران اهواز است که به دلیل علاقه و اهمیت، راهنمای گردشگران به زبان فرانسوی شد تا بتواند به عنوان یک دختر محجبه گردشگران خارجی را بهتر با فرهنگ اسلامی ایرانی آشنا کند. «جوان» با وی گفت‌وگو کرده است.

چه شد که وارد حرفه توریذری آن هم برای گردشگران خارجی شدید؟

همیشه دوست داشتم با فرهنگ کشورهای دیگر آشنا شوم. همین‌طور با مردمانی از ملیت‌های مختلف ارتباط داشته باشم، این دلیلی بود که یادگیری زبان انگلیسی را از پنجم ابتدایی شروع کردم و قبل از کنکور سراسری یادگیری آن را به پایان رساندم. زبان فرانسوی را هم با توجه به توصیه دیگران به‌عنوان رشته دانشگاهی انتخاب کردم. یک بار به‌طور اتفاقی با چند توریست برخورد کردم که باعث شد به راهنمای تور شدن فکر کنم. اولین توریستی که با من دیدم به‌طور اتفاقی آمد و تمایل داشت با من عکس بگیرد. توریست دیگر، معلم تاریخ بود. برای تعطیلات زمستانه به ایران سفر کرده بود، تا پرسپولیس همراهی‌اش کردم. از چادری که پوشیده بودم خوشش آمد و بعد از من خواست کمکش کنم تا مثل همان را برای شاگردش به‌عنوان هدیه بگیرد. توریست دیگری را در مسجد دیدم، اتفاقاً او راهنمای گردشگران لیتوانی بود. با هم آشنا شدیم حتی بعد از اولین دیدار با هم در ارتباط بودیم. بار اول که تورا اجرا کردم او را در نقش رستم دیدم و این بار او بود که به سمت من آمد و بسیار خوشحال شده بود که موفق شدم راهنمای تور شوم.

معمولاً توریذرها به خاطر یادگیری زبان و انگیزه‌هایی که دارند جذب فرهنگ توریست‌ها می‌شوند ولی با چادری که این کار می‌برد از بی‌انگیزگی و سخت‌نستی؟

تا الان که سخت نبوده، باید متعهدانه همراه گروه باشم. با توجه به سؤال شما باید بگویم متأسفانه

تمام مکان‌های تاریخی کشور در هر جایی است را دوست دارم.

ذهنیت توریست‌ها قبل از سفر به ایران چگونه است؟

چون شناخت کاملی از ایران و ایرانیان ندارند ذهنیت‌شان خوب نیست. بعضی از توریست‌ها بعد از سفر به ایران دیدشان عوض می‌شود ولی برخی دیگر نه.

به نظر شما وقتی این همه تبلیغات منفی ضد ایران هست بیشتر برای چه به ایران می‌آیند؟

اغلب به خاطر بازدید از جاذبه‌های فرهنگی و طبیعی‌های ایران می‌شوند. برای اینکه با مردم ایران ارتباط برقرار کنند. چون هم‌زمان توریست‌ها به ایران بازمی‌گردند و این تبلیغات را می‌بینند.

اگر شما در میراث فرهنگی مدیر کل بودید چه کارهایی برای تسهیل ورود توریست‌ها به ایران می‌کردید؟

سفر توریست‌ها به ایران بسیار راحت است برعکس ایرانیان برای سفر به دیگر کشورها باید مراحل مختلفی را پشت سر بگذرانند که باید آخر موفق به خروج از کشور بشوند. پناه برای همین من در این زمینه کار می‌کردم.

تا حالا توریست‌ها سعی کرده‌اند که چادر بپوشند؟ چه حسی این عمل برایشان داشته است؟

از چسبیدن رنگی بدنشان نیامده است، حتی همسرانشان وقتی می‌دیدند خانم‌ها چادر رنگی ایرانی‌ها را پوشیدند، خوشحال می‌شدند. گاهی از من برای پوشیدن چادر کمک می‌گیرند حتی یکی از توریست‌ها هر دفعه که مرا می‌دید از من می‌خواست که روسری‌اش را بپوشد.

چون توریست‌ها سئوال‌های زیادی دارند که قبل از سفر سئوال‌های بسیار جالب و بارزدهی می‌کنند که به پاسخ برایشان به وجود می‌آورد.

تاکون تو چند تور را در ایران هدایت کرده‌اید؟

۱۵ گروه را همراهی کرده‌ام.

به نظر تان چرا بیشتر توریست‌ها می‌آیند مسن هستند؟

معمولاً بیشتر بازنشسته‌ها به‌صورت گروهی سفر می‌کنند و توریست‌های جوان خودشان به تنهایی به ایران سفر می‌کنند.

معمولاً افرادی که با تور به ایران سفر می‌کنند یا همان یک پار است

بستگی به فسر د دارد، مثلاً در یک گروه سئوسئوسی، زوج دندانپزشکی برای بار دوم به ایران سفر می‌کردند و زوج دیگری دوستان بودند را آنها همراهی می‌کردند.

یا گروهی دیگر که دو برادر برای بار دوم همراه با خانم‌هایشان به ایران آمده بودند و بار اول قبل از انقلاب، خودشان به تنهایی و با اتومبیل شخصی از ایران بازدید کرده بودند اما وقتی بتوانیم شناخت درستی از فرهنگ ایرانی اسلامی داشته باشیم بستر بهتری برای بازگشت توریست‌ها ایجاد خواهیم کرد.



در سوگ مهرداد محمدی شاعر جوان ایلامی

که این سان ناکهان و بی‌دلیل و بی‌نشان رفتی

امید سوماری

مهرداد محمدی را قبل از شعرهایش، بسا کاراکتر مهربان و دوست‌داشتنی‌اش می‌شناسیم. کناری‌های بی‌اندازه‌اش که ریشه عمیقی در آندوه پنهانش داشت. «مهرداد» شاعر بود در معنای تماشش، و جنس کلمات را با همه وجودش حس می‌کرد و در آغوش می‌گرفت. جوانی نازنین و دوست‌داشتنی که دغدغه‌های سرودنش را از اواسط دهه ۷۰ احساس کرد. او خیلی زود از نهایش را با کلمات و واژه‌ها در میان گذاشت و به سرعت خود را از بقیه دوستان و شاعران هم‌دوره‌اش متمایز کرد. او خود شعر بود و شاید شعر گفتن برایش کم بود. دبلیستگی‌اش به موسیقی‌علی‌الخصوص موسیقی کردی او را از سرزمین می‌راند و همواره زادگاهش و سنت‌های پاک سرزمینش آسایش می‌کرد.

این روزها و سال‌های اخیر اما کمتر می‌دیدمش. با اینکه به تهران آمده بود و دیوار به دیوار دل من داشت. اما مشغله‌های زندگی پراسترس و مضحک امروزی فاصله دیدارمان را بیشتر کرده بود... در رادیو گویندگی می‌کرد اما شعر، دوست و همراه جداناشدنی‌اش بود.

تمام افسوس این روزهای من، ندیدنش در «همسایگی» بود. ظاهراً جلسات شعری داشت در خیابان کارگر جنوبی که فاصله‌اش تا دفتر کار من در خیابان جمالزاده جنوبی صد متر بیشتر نبود اما هر بار پنهانه‌ای و دلمشغولی مضحکی، که مانع دیدارمان می‌شد...

و حالا می‌بایست این حسرت، مرا تا پایان راه، تا رسیدن به او بدون بودنش همراهی کند.

همیشه دلتگشش خواهم بود و او را هر روز در میان خاطرات مشتتر کمان که حالا دیگر با به سن گذاشته‌ام مرور خواهم کرد. در فرصتی مناسب از آثار و شعرهایش بیشتر خواهم گفت اما تلخی نبودنش این روزها کام شعرهای مرا هم تلخ کرده است.

شعری از آن مرحوم را مرور می‌کنیم:

شبی تلخ از شبان تلخ‌تر از شوکران رفتی / شبی که گریه سرمی‌داد با من آسمان رفتی / اتاق از هرم جان‌بخش نفاس تو خالی شد /

و من جاماندم و این خانه خالی، کز آن رفتی / پس از آنوقت از کوجهای ذهن من کوچید /

زمستان در زمستان شد شبی که با خزان رفتی / کجا؟ پیش که؟ این بغض فروسته رها سازم؟ / کجا؟ ای شانه‌های مهربان تو، امان رفتی، /

هلاهای عشق، ای یاری بودن، ای تمام من / چگونه از کنار ماندن این ناتوان رفتی / چگونه سر کتم با این شب تاریک بی‌روزن /

چرا ای چشم‌هایت چلچراغ خانه‌مان رفتی / کدامین جاده آیا ردی از راه تو خواهد داد /

که این سان ناکهان و بی‌دلیل و بی‌نشان رفتی / مهرداد محمدی سراینده مجموعه شعرهای «فتی تو نباشی» و «دیدار با زنی که نیمه من بود» روز جمعه ۲۴ اسفند به علت ایست قلبی در تهران درگذشت. مهرداد محمدی متولد ۱۳۵۵ از گوینده‌های موفق رادیو ورزش بود که بارها به خاطر متن‌هایش از او تقدیر شده بود. وی برنده جایزه نویسندگی رادیو در جشنواره‌های مختلف بود. محمدی همچنین رتبه اول کنگره ادبی شب‌های شهر پور را در کارنامه ادبی خود داشت. روزهای پایانی این هفته شاعران و جمعی از دوستداران آن شاعر فقید از شهرها و استان‌های دیگر، در زادگاه او گرد هم می‌آیند و یاد و خاطره‌اش را گرامی می‌دارند.

فرم اشتراک روزنامه جوان

- ۱. مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنمای مندرج به حساب سیبیا ۰۷-۰۰۰۰۲۳۳۰۰۵۱۰۹۵ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام آوران نشر روز واریز نمایید.
- ۲. فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمایید.
- ۳. ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.
- ۴. لطفاً کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید.
- ۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمایید.

نام: _____ نام و نام خانوادگی: _____ تلفن تماس: _____

نام شرکت یا موسسه: _____ کدپستی الزامی است: _____

نشانی: _____

هزینه اشتراک روزنامه (مبالغ به ریال) می‌باشد.

سه ماهه	۶ ماهه	نه ماهه	یکساله
۴۱۲/۵۰۰	۸۲۵/۰۰۰	۱/۲۳۷/۵۰۰	۱/۶۵۰/۰۰۰

توضیح: ایثارگران (خانواده معظم شهید، جانبازان عزیز و آزادگان سرفراز) از تخفیف ویژه ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند. آدرس: خیابان میرزای شیرازی، نرسیده به خیابان شهید مطهری، خیابان پانزدهم، پلاک ۴۴، طبقه دوم

تلفن: ۸۸۳۴۱۶۵۴-۸۸۳۴۱۶۵۰-نمبر: ۸۸۳۴۱۶۵۰

روزنامه جوان

شورای سیاستگذاری انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس معرفی شدند

رئیس بنیاد فرهنگی روایت فتح، اعضای شورای سیاستگذاری انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس را معرفی کرد.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس، سیدمحمد یاشار نادری رئیس بنیاد فرهنگی روایت فتح طی احکامی جداگانه، قادر آشنامدیرکل اسبق مرکز هنرهای نمایشی، شهرام کریمی مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی، نصرالله‌قاری نویسنده، کارگردان و استاد دانشگاه، حسین مسافرآستانه، بازیگر فارسی، نویسنده، بازیگر، کارگردان و مدیرعامل انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس را به عنوان اعضای شورای سیاست‌گذاری انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس و جواد تمدنی را به عنوان دبیر این شورا منصوب کرد. گفتنی است انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس در تدارک آمادسازی و مقدمات برگزاری هفدهمین جشنواره تئاتر مقاومت در سال آینده است. هفدهمین جشنواره تئاتر مقاومت در سال ۹۹ به همت انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس و بنیاد فرهنگی روایت فتح برگزار خواهد شد.

خاطرات سیدحسن نصرالله از آیت‌الله بهجت منتشر شد

کتاب «بدر معنوی حزب‌الله» مجموعه خاطرات و تحلیل‌های سیدحسن نصرالله درباره آیت‌الله بهجت توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شد. به گزارش باشگاه خبرنگاران پویا، این کتاب مجموعه خاطرات و تحلیل‌های سیدحسن نصرالله (یکی از قله‌های حماسه در جهان امروز و از پرورش یافتگان نور انقلاب) درباره آیت‌الله بهجت می‌باشد که هم‌زمان با ایام رحلت حضرت آیت‌الله بهجت توسط وحید خضاب ترجمه و توسط انتشارت شهید کاظمی روانه بازار شد. در بخشی از این کتاب که به صورت گفت‌وگو با سیدحسن نصرالله می‌باشد آمده است: «...بنده شخصاً بسیاری از چیزهایی که در مورد حضرت شیخ بهجت نوشته و جمع‌آوری شده بود را خواندم، ولی معتقدم آیت‌الله بهجت در واقع پدری معنوی بودند و ما نیز ایشان را پدری معنوی می‌دانستیم. این موضوع پس از رحلت امام خمینی مسئولان استفاده ببرند و که دیدیم هم‌روولی امر ما یعنی حضرت آیت‌الله العظمی‌خامنه‌ای (دام‌ظله‌الشریف) وقتی برای زیارت به‌قم مشرف می‌شوند بسیار اصرار دارند با حضرت شیخ (قدس سره) دیدار کنند، توشه بگیرند، سئوال‌ها بکنند، استفاده ببرند و از راهنمایی‌های او بهره ببرند، دیگر تکلیف ما به عنوان سربازان و پیروان آن رهبر مشخص بود. در نتیجه شاید پس از رحلت حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) این ابوت روحی و معنوی و ارتباط روحی قوی‌تر شد.»

عرضه کاغذ به ناشران بدون وقفه ادامه دارد

معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از تداوم عرضه کاغذ به ناشران بعد از برگزاری سسی و هم‌زمان نمایشگاه شهید تهران خبر داد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، محسن جوادى اظهار کرد: عرضه کاغذ برای انتشار کتاب به ناشران در سال ۹۸ هم به روال سال گذشته ادامه داشته است و این روند حتی در روزهای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران هم انجام شد. وی ادامه داد: عرضه کاغذ به ناشران در روزهای بعد از نمایشگاه هم تداوم داشت و هیچ گونه وقفه‌ای در کار پیش‌نیامد تا ناشران بتوانند در این حوزه مشکلات کمتری به‌تولید و انتشار کتاب بپردازند. جوادى با اشاره به تأثیر عرضه کاغذ بازر دولتی در عرضه نشر گفت: بسیاری از ناشران حرفه‌ای و فعال کشور توانستند با استفاده از کاغذ بازر دولتی به فعالیت در براره روند عرضه و توزیع کاغذ در حوزه نشر گفت: عرضه و توزیع کاغذ مربوط به این حوزه توسط صنف نشر انجام می‌شود به این صورت که ناشران متقاضی، خود ادامه دهند چنانکه در بازدید مسئولان از نمایشگاه کتاب تهران این نکته توسط ناشران مطرح شد. معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین خود ادامه گفت: بسیاری از ناشران حرفه‌ای و فعال کشور توانستند با استفاده از کاغذ بازر دولتی به فعالیت در براره روند عرضه و توزیع کاغذ در حوزه نشر گفت: عرضه و توزیع کاغذ مربوط به این حوزه توسط صنف نشر انجام می‌شود به این صورت که ناشران متقاضی، خود ادامه دهند چنانکه در بازدید مسئولان از نمایشگاه کتاب تهران این نکته توسط ناشران مطرح شد. معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین خود ادامه گفت: بسیاری از ناشران حرفه‌ای و فعال کشور توانستند با استفاده از کاغذ بازر دولتی به فعالیت در براره روند عرضه و توزیع کاغذ در حوزه نشر گفت: عرضه و توزیع کاغذ مربوط به این حوزه توسط صنف نشر انجام می‌شود به این صورت که ناشران متقاضی، خود ادامه دهند چنانکه در بازدید مسئولان از نمایشگاه کتاب تهران این نکته توسط ناشران مطرح شد.